



بین‌المللی کردن برنامه درسی آموزش عالی در ایران: موانع و چالش‌های بین فرهنگی فرارو

معصومه کیوانی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تبریز

masome.kiwany1356@gmail.com

چکیده

بین‌المللی کردن برنامه درسی (IOC) مفهوم جدید و در حال تحول است که بطور ویژه از اوایل قرن بیست و یکم در ادبیات برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است. علیرغم اهمیت و جایگاه چنین ایده‌ای، برداشتها و تفسیرها از این واژه در بسیاری از ممالک بویژه ایران توأم با ابهام، سردگمی و عدم شفافیت است. پژوهش حاضر در راستای بررسی این مفهوم در ادبیات برنامه درسی تلاش کرده است، ضمن تبیین این مفهوم جدید، پشتوانه‌های آن را در نظام آموزش عالی ایران را مورد بحث و نقد قرار دهد. در این مقاله تلاش شده است تا ابعاد، مؤلفه‌ها، موانع و چالش‌های فرهنگی بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی تبیین و تصریح گردد.

کلید واژه‌ها: بین‌المللی کردن برنامه درسی (IOC)، پشتوانه‌های فرهنگی، موانع بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی، چالش‌های فرهنگی.



مقدمه

جهانی شدن و گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات سبب شده است که جهان مبدل به دهکده‌ی کوچک و دارای تعاملات فزاینده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شود. از این رو جهانی شدن بر کلیه ابعاد زندگی آدمی و تمامی دستاوردهای بشری تأثیری گسترده و عمیق به جا گذاشته است. در این میان بین‌المللی کردن با آموزش عالی نیز به عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن مورد توجه روز افزون قرار گرفته است.

بین‌المللی کردن آموزش عالی به معنای تلفیق و لحاظ کردن دیدگاه و چشم‌انداز بین‌المللی در ابعاد مختلف دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است. در چنین وضعیتی تلاش عمده بر آن است تا جهت‌گیری‌های کلی برای پرورش دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها در ارتباط با جهانی شدن در دانشجویان ایجاد شود و در این راستا، از فرصت‌های موجود در دانشگاه‌ها استفاده مؤثر بعمل آید. مفهوم اصلی پشتیبان این دیدگاه، نوعاً تحت عنوان پرورش سواد بین‌المللی است که به موجب آن هدف اصلی در نظام آموزش عالی، تربیت شهروند جهانی است.

اساساً بین‌المللی شدن هدف اصلی بسیاری از نظام‌های آموزشی در سراسر جهان است. در این زمینه دو دسته فعالیت برای تحقق چنین هدفی باید دنبال شوند. این دو دسته فعالیت عبارتند از مبادله وسیع استاد و دانشجو^۱ و بین‌المللی کردن برنامه‌ها و پردیس دانشگاه^۲. (Knight, 2004) بین‌المللی کردن پردیس دانشگاه شامل بین‌المللی کردن برنامه درسی، رویکردهای پداگوژیکی، فعالیت‌های اجتماعی بین فرهنگی و افزایش آگاهی و بینش فرهنگی دانشجویان، اساتید و کارکنان است. (Techier, 2007; Hanson & Meyerson, 1995; Kushigian, 1998; Hugang & Lin, 2007, p67).

مقایسه جهانی شدن و بین‌المللی کردن آموزش عالی

واژگانی که برای تعریف، مقایسه و تعیین حدود جهانی شدن و بین‌المللی کردن استفاده می‌شوند اغلب گیج کننده هستند. گاهی عبارات جهانی و بین‌المللی، و حتی بین فرهنگی و چند فرهنگی بدون تمایز از یکدیگر استفاده می‌شود (آروم^۳ و ون‌دواتر^۴، ۱۹۹۲). در حالی که دیگر صاحب‌نظران علاقمند به نشان دادن تفاوت‌ها هستند. مرکز اطلاعات تحقیقات آموزشی (ERIC) آموزش عالی، در کتاب‌شناسی (CRIB) ضمن تعریف بین‌المللی کردن آموزش عالی تأکید می‌کند که این مفهوم، بر اهمیت احترام بیشتر به فرهنگ‌های گوناگون جهان اشاره دارد (ERIC, ۲۰۰۲).

¹ . Extensive student and faculty exchange

² . Internationalization of University Campus

³ . Arum

⁴ . Van de water



برای بعضی نویسندگان، این عبارت همانند یک چتر یکدیگر را در بر می‌گیرند و تفاوت در عمق، کمیت و کیفیتی نهفته است که از فرآیند تغییر به دست می‌آید و با تلاش‌های متمرکز بر تحقیق، آموزش چند فرهنگی و بین فرهنگی شروع می‌شود (تحقیق و توسعه)، بعداً به آموزشی بین‌المللی می‌رسد و سرانجام به آموزش جهانی نزدیک می‌شود، بدین معنا که فرآیند تغییر تقریباً کامل است اگر چه این پایان کار نیست. با این وجود، دیگران توضیح می‌دهند که جهانی شدن را نمی‌توان به سادگی به عنوان فرمی برتر از بین‌المللی کردن در نظر گرفت. به جای این که رابطه‌شان طولی یا عرضی در نظر گرفته شود، شاید واقعاً رابطه‌ای دیالکتیک داشته باشند. به یک مفهوم، جهانی شدن نوین شاید رقیب بین‌المللی کردن قدیم باشد (اسکات^۵، ۱۹۹۸، ص ۱۲۴).

برای دیگر صاحب‌نظران هر کدام محدوده‌های خودشان را دارند: آموزش چند فرهنگی با فرهنگ‌های درون یک کشور سر و کار دارد، آموزش بین‌المللی در رابطه با ملل متفاوت و ارتباطات بین این ملل است. ولی آن‌ها را دور و جدا از یکدیگر نگه می‌دارد (ملت به عنوان یک واحد اساسی) و آموزش جهانی فقط با یک جهان مستقل بدون مرز درگیر است. (Bell, 2008, p38).

برای بعضی از صاحب‌نظران این عبارت بخش‌های مختلف یک ریسمان‌اند که تکه‌های مشترک و انتهای جدا از هم دارند. تفاوت در موقعیتی است که عبارت در آن‌جا استفاده می‌شود برای مثال بین فرهنگی برای موضوعات حقوق بشری استفاده می‌شود و یا برای مطالعه فرهنگ بین‌المللی هنگام مطالعه زبان‌ها و یا برای تجربیات تحصیل خارج از کشور دانشجویان و ... استفاده می‌شوند.

اگر چه دو مفهوم جهانی سازی و بین‌المللی سازی اغلب به صورت جایگزین استفاده می‌شوند ولی یک پدیده را توصیف نمی‌کنند. جهانی شدن در مقایسه با بین‌المللی شدن از قدمت کمتری برخوردار است، بر استانداردسازی دلالت دارد و مبتنی بر سلسله مراتب قدرت و امتیازی است که غرب را مسلط نگه می‌دارد. در حالی که بین‌المللی سازی، مبتنی بر احترام و توجه به ملیت، تشخیص و ارزش قائل شدن برای گوناگونی‌ها، به ویژه شناخت گوناگونی‌هایی که در بافت‌های فرهنگی مختلف رشد می‌کنند، است (Band, 2006).

از دیدگاهی دانشگاهی و آموزشی، بین‌المللی کردن در مقابل برنامه کاری نئولیبرالی برای جهانی شدن قرار می‌گیرد از آنجایی که روی اقدام مشارکتی در مورد رشد روابط و تبادلات بین نهادها و فرهنگی‌های ملی تاکید می‌کند (مارگینسون و کونسیدین، ۲۰۰۰؛ شایر و مایسون ۲۰۰۴) بین‌المللی کردن پاسخی به فشارهای جهانی شدن است به طوری که جهانی شدن را مانند کاتالیزور و بین‌المللی کردن را به عنوان عامل کنترل کننده در نظر بگیریم (نایت، ۱۹۹۹، ص ۱۴) اساساً بین‌المللی کردن « کالای عمومی توانمند کننده‌ای است که فرصت رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را هم برای جهان پیشرفته و هم جهان سوم افزایش می‌دهد» (آپورت، ۲۰۰۴، ص ۲)

⁵. Scott



علی‌رغم این که بین‌المللی سازی به روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها، در حالی که برای سنت‌ها و تفاوت‌ها و مرزها ندارد، در این معنی بین‌المللی سازی می‌تواند به عنوان مکمل یا جبران کننده تمایلات جهانی سازی باشد، چرا که موجب مقاومت در مقابل عدم ملی گرایی و همگن سازی جهانی می‌شود. (Bostrom, 2009) بین‌المللی سازی نباید به وسیله استانداردها و ارزش‌های حاکم بر اقتصادها و سیاست‌های قدرتمند هدایت شود، بلکه باید در صدد برداشتن این محوریت و شناسایی سایر فرهنگ‌ها و تعامل آن‌ها با یکدیگر شود (Stier, 2002).

واژه جهانی سازی دلالت بر استانداردسازی در میان فرهنگ‌ها دارد و عموماً به فرآیند و نتایج فوری و آنی ارتباطات در سراسر دنیا که احتمالاً به واسطه فناوری جدید ایجاد می‌شوند بر می‌گردد. فناوری می‌تواند بزرگترین نیروی منفرد برای تغییر در آموزش عالی باشد و بزرگترین تأثیراتش را در اشاعه یادگیری می‌گذارد. فناوری در حال تغییر شکل تدریس، تعلیم و تربیت، دگرگون سازی یادگیری تجارب و ایجاد تغییرات سازمانی است. در نتیجه میزان دانش و دسترسی به دانش، رشد انفجاری و افزایش به هم وابستگی دنیای مالی و نظام‌های اقتصادی را تجربه کرده است. (Bostrom, 2009) از منظری می‌توان گفت که بین‌المللی سازی به تبادل افراد و عقاید بر می‌گردد در حالی که جهانی سازی اصولاً به ساختارها، تولید و اشاعه خدمات بر می‌گردد. (De Jong & Teekens, 2003).

فریدمن^۶ (۲۰۰۶) جهانی سازی را به عنوان قدرت یا نیروئی برای افراد جهت همکاری افقی و رقابت جهانی، می‌داند. منظور وی این نیست که دنیا در حال برابر شدن است. خط مشی «دنیای یک دست او»، یک خط مشی جهانی مبتنی بر توانمندی وب است که بدون توجه به جغرافیا، مسافت، زمان و در آینده نزدیک حتی زبان عمل می‌کند.

همانطور که ملاحظه می‌شود مرز بین واژه بین‌المللی سازی و جهانی سازی مبهم است چرا که هر دو پدیده‌هایی هستند که ناشی از پویائی‌های اجتماعی‌اند. با این حال از نظر مقیاس و درجه با هم متفاوتند و تمایلات مخالف و متناقضی را به نمایش می‌گذارند. یکی از پیامدهای ناخواسته آنچه فریدمن «دنیای یک دست» بیان می‌دارد، آن است که او فرهنگ‌های مختلف را در تماس مستقیم با یکدیگر قرار می‌دهد، بعضی از فرهنگ‌ها در فرصت‌های ناگهانی برای مشارکت، پیشرفت و ترقی می‌کنند، در حالیکه به واسطه این تماس و ارتباط نزدیک، سایرین تهدید، محروم و حتی تحقیر می‌شوند.

طبق نظر نایت (۱۹۹۹) جهانی شدن و بین‌المللی سازی مفاهیم فوق‌العاده به هم مرتبطی هستند و بین‌المللی سازی آموزش عالی می‌تواند به عنوان پاسخ فعالانه به تسهیل جهانی شدن تعریف شود.

به زعم موری (۲۰۰۰) این دو مفهوم وجه مشترکی دارند که عبارت از توسعه مهارت‌های میان فرهنگی است و برای توصیف اهداف و فرآیندهای آموزشی که دانشجویان را جهت روبرو شدن با واقعیت‌های دنیایی به هم پیوسته آماده می‌کند؛ درک آنها را از فرهنگ، نظام‌های مذهبی و سیاسی خودی و سایرین افزایش می‌دهد،

⁶ . Fridmane

به آنها دیدگاهی کل نگر از دنیا و نقش کشورشان در آن می‌دهد و مهارت‌های لازم تصمیم گیری و حل مسایل دنیای معاصر را در آنها پرورش می‌دهد، از اینرو این دو مفهوم به طور جایگزین به کار برده می‌شوند.

با اینهمه جهانی سازی می‌تواند به عنوان فرآیند تسلط و حکم رانی و به هم وابستگی اقتصادها و آزادسازی تجارت و بازار تعریف شود، در حالی که مفهوم بین‌المللی سازی بیشتر به فرآیند افزایش همکاری در بین دول یا فعالیت‌هایی در میان مرزها بر می‌گردد، اما در عین حال دنیایی را انعکاس می‌دهد که در آن ملت‌ها هنوز هم در قبال یکدیگر نقش اساسی را بازی می‌کنند.

بین‌المللی سازی در آموزش عالی به عنوان تلاش‌های مشترکی هستند که در بسیاری از برنامه‌های تبادل منطقه‌ای برای دانشجویان و کارکنان علمی دیده می‌شود. اخیراً رقابت بین‌المللی به عنوان یک منطق در حال ظهور برای بین‌المللی سازی دیده می‌شود. رقابت و همکاری ظاهراً به عنوان دلایل منطقی متفاوتی برای بین‌المللی سازی هستند. اما لزوماً نیروهای مخالف یکدیگر نیستند. همان گونه که پورتر^۷ (۱۹۹۰) بین‌المللی سازی را به عنوان فرآیندی که در آن عملکردهای یاددهی، تحقیق و خدمات نظام آموزش عالی از منظر بین‌المللی و میان فرهنگی مدنظر قرار می‌گیرد تعریف می‌کند، به طوری کلی بین‌المللی سازی می‌تواند به عنوان راهبردی برای توسعه تدارک آموزش عالی و تبادل نظر و عقیده در میان مرزهای ملی در نظر گرفته شود. (Thun & Welle – Strand, 2005)

بین‌المللی کردن «فرصتی برای رشد بشری در برابر سلطه‌ی برنامه‌های کنونی نئولیبرالی، نئومحافظه کاری و استعمارگری جدید ارائه می‌دهد» و از نظر مارگینسون و سایر (۲۰۰۵) فرصتی برای انتقال، تکثر و رشد تعداد دانشجویان بین‌المللی را فراهم می‌آورد. از دیدگاه انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها، بین‌المللی کردن تعهدی به ایجاد محیطی بین‌المللی است و به ایجاد صلح جهانی کمک می‌کند. (IAV، ۱۹۹۸، ص ۱). از اینرو نویسندگان برجسته در زمینه آموزش عالی رویکردی تعاملی نسبت به جهانی شدن و آموزش عالی و مشارکت جدی در فرآیندهای بین‌المللی کردن را پیشنهاد می‌دهند.

در جدول ۱ مقایسه‌ای از تفاوت‌های بین جهانی شدن و بین‌المللی کردن آمده است و نیز تفاوت بین جهانی به عنوان فرآیندی واکنشی در فضای واکنشی در فضای فشار و اجبار و بین‌المللی کردن به عنوان فرآیند تعاملی بر اساس نقد و تحقیق در فضای گزینش انتخاب و نشان داده می‌شود.

بین‌المللی کردن	جهانی شدن
تعاملی، تقویت کننده، توسعه‌ای، همکارانه	تبادلی، کارآفرینی، بازرگانی، رقابتی
روابط و تعاملات بین هویت‌های ملی ارزشمند و فرهنگ‌ها	از بین رفتن مرزها و تفاوت‌های ملی
تعامل انسانی مردم، عقاید، فرهنگ‌ها	جریان تکنولوژی، اقتصاد، دانش، مردم، عقاید در بین

⁷ - Porter



	مرزها، بیشتر یک طرفه
به وسیله همکاری برای اهداف جهانی و فرصت‌های متقابل به جلو رانده می‌شود.	به وسیله سرمایه جهانی به حرکت در می‌آید.
پی ریزی شده بر اساس تعاملاتی که در نقد مشترک جهانی شدن توسعه می‌یابد.	در تبادلات کالا، خدمات، تولیدات به وجود می‌آید
دیدگاه‌های وسیع‌تر، عادلانه‌تر، دانش و قدرت را در نظر می‌گیرد.	رقابت را به عنوان راه حل مشکلات در نظر می‌گیرد
دید نئولیبرالی بین‌المللی کردن را رد می‌کند	ضرورت جهانی شدن نئولیبرال را می‌پذیرد
از آموزش به عنوان فرآیندی تقویت کننده و دانشجویان بین‌المللی به عنوان نبع برنامه درسی برای فهم بین فرهنگی استفاده می‌کند.	از آموزش و دانشجویان بین‌المللی به عنوان کالاهای تجاری استفاده می‌کند.

منبع: (Marginson & Considine, 2000; Reid, 2001; Rizvi, 2002; Rizvi & Waish., 1998;)

(Schapper & Mayson, 2004; Scrase, 1996; Yang, 2003

جدول ۱ تایید می‌کند که تنش‌هایی بین جهانی شدن نئولیبرال و بین‌المللی کردن وجود دارد که در آن روابط و تبادلات بین نهادهای ملی و فرهنگ‌ها، همکاری برای اهداف جهانی و فرصت‌های متقابل فراتر از سود منفعت ارزش گذاری شده است.

به نظرهای (۲۰۰۲) استدلال‌های نهایی برای بین‌المللی کردن از این قرارند که بین‌المللی کردن عدالت اجتماعی وسیع‌تری را ارتقا می‌بخشد، مدرسان دانشگاهی را ملزم می‌دارد تا شانس برابری برای موفقیت همه‌ی دانشجویان قائل شوند، با تشویق چند به تکرار کمک می‌کند و نیز به اساتید کمک می‌کند تا رشته‌های متفاوت را استعمارزایی کنند. بین‌المللی کردن باید نمایانگر فرآیندی در دانشگاه واقعاً چند فرهنگی و در سطح جهانی باشد مباحث درباره‌ی آینده بشریت را نیز در بر بگیرد. بین‌المللی کردن واژه‌ی رایج دانشگاه‌های استرالیا در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بود ولی به گفته‌ی استول (۲۰۰۷) « بیشتر مدیران دانشگاهی که علاقه‌شان را بیان کردند یا رویه‌ی پیشرفت حرکت می‌کنند یا به تازگی اعلام پیروزی و موفقیت کرده‌اند (ص ۳۶۶)». بنابراین مسئله به تلاشی برای بین‌المللی کردن برنامه‌ی درسی مربوط می‌شود جایی که اراده، تلاش و تعهد مدرسان بین‌المللی کردن برنامه‌ی درسی را پویا نگه می‌دارد (نینزو هلستن، ۲۰۰۵).



چرا بین‌المللی کردن آموزش عالی در ایران؟ بنیادهای فرهنگی - تاریخی

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ بسیاری از رهبران سیاسی و آموزشی خواستار بین‌المللی کردن بیشتر در آموزش عالی شدند، برای مثال دکتر ارنست بویر^۸ (۱۹۹۴) رئیس پیشین بنیاد کارگری برای توسعه آموزش^۹ درافتتاحیه کنفرانس ۱۹۹۴ ساخت جامعه جهانی قدم بعدی گفت^{۱۰} هم اکنون امریکا در مرحله‌ی حساسی است. ما یا روابطمان را به صورت جهانی دوباره کشف خواهیم کرد و یا دیدگاه خطرناک و کشنده‌ی انزواگری را گسترش می‌دهیم این کشور با روح خودش در کشمکش است که آیا ما پاره‌ای از جامعه‌ی بشری بزرگتر هستیم یا نه. ما آنقدر بزرگ هستیم که این توهم را داشته باشیم که می‌توانیم در انزوا بمانیم، جرات نداریم که زندگی با این فریب را امتحان کنیم و مواجه شدن با جامعه بشری و آینده را از دست بدهیم. همچنین دکتر جوزف مستن هاسر می‌نویسد: بی‌توجهی و یا اقدام ناکافی در زمینه بین‌المللی کردن ... و اینکه بعداً متوجه شویم که در واقع اینکار یک فرآیند ضروری بوده است، شاید وقت و آینده کل نسل دانشجویان را تحت‌الشعاع قرار دهد (در الینگو ۱۹۹۷b). امروز بویژه در دهه دوم ۲۰۰۰ بین‌المللی کردن هنوز یک امر مهم و خطیر بشمار می‌رود. ترویج دهندگان بین‌المللی کردن ضرورت آن را از دیدگاه‌های متفاوت توجیه کرده‌اند. با این وجود، استدلال‌های متفاوتی برای توجیه بین‌المللی کردن در آموزش عالی وجود دارد. هسته مشترک این استدلال‌ها نیاز به تغییر است و سازگار کردن آموزش، تحقیق و توسعه با جهانی تا شاید ملت، اقتصاد، جامعه، دولت علم، تکنولوژی، مشاغل، اجتماع و مردمان قادر باشند در دنیای پویا و بهم وابسته فردا با موفقیت کار، زندگی و رقابت کنند.

۱- پیشینه تاریخی در زمینه آموزش عالی فرای مرزی

ایران کشوری است دارای تمدن و قدمت طولانی در عرصه علوم و آموزش، همچنین در زمینه آموزش و مطالعات بین‌المللی نیز از سوابق درخشانی برخوردار است. برای نمونه دانشگاه جندی شاپور ایران در قرن پنجم، زمان ساسانیان؛ مرکزی برای مطالعات پزشکی بود و برنامه‌های درسی و تحقیقاتی‌اش بسیاری از حوزه‌ها را پوشش می‌داد، این دانشگاه مرکزی بود برای فعالیت‌های علمی و تبادل اطلاعات بین دانشمندان ایرانی، هندی، یونانی و سوریانی وجود چنین پیشینه‌ای دال بر آن است که ایران دارای ظرفیت بالقوه جهت تبدیل شدن به کشوری برای میزبانی دانشجویان بین‌المللی به ویژه از قاره آسیا و منطقه می‌باشد؛

۲- چشم اندازهای طراحی شده و الزامات اسناد بالا دستی

در اسناد بالا دستی مربوط به آموزش عالی نیز، ایران به عنوان کشوری در حال توسعه برای حضور و رقابت در جامعه جهانی و عقب نماندن از قافله جهانی سازی نیازمند بین‌المللی شدن است از جمله:

۱-۲- سند چشم انداز ۲۰ساله (افق ۱۴۰۴): آنگونه که در این سند آمده است " ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در

⁸ - Ernest Boyer

⁹ - Carnegie Foundation For the Advancement of Coaching

¹⁰ - Building the Global Community: the next step



جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پر شتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل ... " که تحقق آن مستلزم روی آوری به IOH در نظام آموزش عالی می‌باشد.

۲-۲- سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه کشور: در چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری، بر سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان، ارتقای جایگاه جهانی ایران، بخش امور مربوط به مناسبت سیاسی و روابط خارجی بر گسترش همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی، تلاش برای دستیابی به اقتصاد متنوع و متکی بر منابع دانش، آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین تأکید شده است. (www.isna.ir, 1387)

برنامه بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری با عنوان « توسعه مبتنی بر دانایی » فصل چهارم قانون برنامه چهارم توسعه را تشکیل می‌دهد و در زمینه بین‌المللی سازی آموزش و پژوهش در برگیرنده گزاره‌های توصیفی، تفویضی، تکلیفی و اختیاری به شرح زیر است:

بر اساس برنامه چهارم توسعه، فصل چهارم، ماده ۲۵: دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی می‌توانند برای تأمین بخشی از هزینه‌های خود نسبت به پذیرش دانشجوی خارجی یا دانشجویان ایرانی که در دانشگاه‌های سایر کشورها در رشته تحصیلی مشغول به تحصیل هستند، اقدام نمایند. تحقق این مواد مستلزم روی آوردن به بین‌المللی سازی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در ایران می‌باشد.

۳- ظرفیت‌های فراوان در نظام آموزش عالی ایران

چالش‌های سه دهه‌ای اخیر در نظام آموزش عالی کشور و تغییرات وسیع ناشی از آن و همچنین با پذیرش این اصل راهبردی که مهم‌ترین مزیت نسبی در قرن آینده، دانش و اطلاعات و اساس پیشرفت و توسعه‌ی همه جانبه‌ی انسانی است - گسترش کمی و کیفی را نیز مأموریت‌های جدیدی را برای نهاد دانشگاه ترسیم کرده است. از این رو، تجدید نظر و اصلاح در ساختار آموزشات عالی برای ایفای نقش مؤثر دانشگاه‌ها در تولید دانش و پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی امروز و فردای ایران به عنوان رویکردی نوین در مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، مورد نظر قرار گرفته است.

موانع بین‌المللی سازی برنامه درسی

پژوهش‌ها و مطالعات محدودی در راستای شناسایی موانع و محدودیت‌های بین‌المللی سازی برنامه درسی صورت گرفته است (Cliford, 2004; Knight, 2009) در این راستا، در یک مطالعه بهتر که در دانشگاه مینه



سوتا در زمینه موانع بین‌المللی سازی دانشگاه انجام شده است مهم‌ترین موانع راه بین‌المللی سازی به شرح زیر شناسایی شده است. (Mestenhauer & Ellingboe, 1998, p:211-13).

از جمله عوامل مقاوم به بین‌المللی سازی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شناختی: عدم تغییر شناختی در اعضای هیأت برای بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی و عدم گنجاندن جنبه‌های بین‌المللی در موضوعات درسی، ناآگاهی از فرصت‌های بین‌المللی و تمرکز بیش از حد بر روی موضوعات درسی.

۲. انگیزشی: نبود عوامل انگیزشی و مشوق برای اساتید در راستای بین‌المللی کردن محتوا، عدم ارائه عوامل تشویقی و حمایت مالی برای سفرهای تحقیقاتی با گذارندن دوره‌های تخصصی یا شرکت در فرصت‌های بین‌المللی رشد و بهسازی اساتید جهت تدریس به دانشجویان بین‌المللی و عدم وجود کمیته‌های آموزش بین‌المللی در گروه‌های تخصصی.

۳. مالی: عدم پرداخت کمک‌های مالی به اساتید جهت سفرهای خارجی برای تحقیق، تدریس، انجام امور مشاوره‌ای، توسعه‌ی شغلی اساتید. عدم تشویق نکردن اساتیدی که در زمینه‌ی بین‌المللی سازی دروس خود فعالیت می‌کنند، کمبود منابع مالی.

۴. موسسه‌ای: عدم استفاده از معیارهای بین‌المللی به عنوان شاخص استخدام اساتید، عدم توجه به شاخص بین‌المللی سازی و تلاش‌های اساتید در این راستا در ارزشیابی آن‌ها و توجه به آن در نظام پاداش و تشویق دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی.

۵. موضوع درسی: اهمیت بیش از حد به موضوعات تخصصی، عدم اعتقاد به همکاری‌های میان رشته‌ای و میان موضوعی اساتید در قالب کارهای گروهی و ارائه‌ی دوره‌های میان رشته‌ای، حجم بالای مواد آموزشی موجود و زمان محدود برای تدریس آن‌ها و در نتیجه لحاظ نکردن جنبه‌های بین‌المللی در موضوعات درسی. ۶. برداشت عمومی: عدم درک مدرسان بین‌المللی توسط هم‌تایان خود، تقدیر نکردن از انجام تحقیقات و یا فعالیت‌های تدریس بین‌المللی اساتید توسط مدیران و گردانندگان دانشگاهی.

۷. ترس: ترس از آینده محوری و آموزش دانشجویان برای آینده‌ای متلاطم، ترس و مقاومت در برابر تغییرات عظیم مبتنی بر فناوری مانند یادگیری از دور.

۸. مقاومت در برابر آموزش و تحقیق مشارکت: عدم اعتقاد به همکاری اساتید در امور تحقیقاتی بین‌المللی و ارتباطات میان فرهنگی و میان رشته‌ای.

در پژوهش دیگری، مجموعه‌ای از عوامل به شرح زیر به عنوان موانع بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی آموزشی عالی شناسایی شده‌اند. (ویلیامز، ۲۰۰۸)

۱- استقلال و آزاد اندیشی علمی اعضای هیأت علمی



ترس از دست دادن استقلال و آزادی ممکن است مانعی دیگر بر سر راه فرآیند اصلاح برنامه درسی باشد. اساتیدی که در تولید و تدوین بین‌المللی سازی درگیر نیستند، ممکن است برای بین‌المللی سازی دروس خود آن را تجاوز به آزادی علمی تلقی کرده و از آن طفره روند.

۲- کالایی کردن تعلیم و تربیت^{۱۱}:

بعضی اساتید و دانشگاه‌ها ممکن است نسبت به تلاش‌های بین‌المللی سازی به عنوان شاخص کالایی نمودن تعلیم و تربیت که بر مزایای اقتصادی آموزش بیش از انسان‌گرائی سنتی یا دلایل منطقی و علمی متمرکز است، نظر مساعدی نداشته باشند.

جذب دانشجویان بین‌المللی اغلب به عنوان یک منبع مهم درآمد برای موسسات آموزش عالی به حساب می‌آید.

نایت (۱۹۹۹) دست‌یابی به تعادل در بین دلایل اقتصادی و منطقی برای جذب دانشجویان بین‌المللی را مورد توجه قرار می‌دهد. برای این که اساتید بین‌المللی سازی برنامه درسی را کاملاً مورد توجه قرار دهند، موسسات باید بر روی جذب دانشجویان بین‌المللی تمرکز کنند، البته نه به عنوان منابع مالی بلکه به عنوان عامل تنوع که می‌توانند محیط یادگیری را به نحو مطلوبی غنی سازند.

۳- سیاست‌های مربوط به استخدام و مشوق‌ها:

موسساتی که از اعطای امتیاز به اساتید درگیر در امور بین‌المللی سازی امتناع می‌ورزند، مانع دیگری در راستای بین‌المللی سازی ایجاد می‌کنند. اما عمده محققان توصیه کرده‌اند که موسسات در استخدام، ارائه پاداش و راهبردهای ارتقا برای اساتید، تجارب و شایستگی بین‌المللی آن‌ها را مد نظر قرار می‌دهند.

۴- توسعه و بهسازی اساتید و تجارب بین‌المللی:

نبود ساختار مناسب حمایت از توسعه و بهسازی اساتید و کمک به آن‌ها در جهت افزایش سطح آگاهی و تخصص در زمینه بین‌المللی از طریق فعالیت‌های تحقیق، مطالعه و تدریس مانع از اصلاح برنامه‌های درسی می‌شود. بعضی از محققان پیوند مستقیم با اساتیدی که بین‌المللی هستند و دارای علاقه و توانایی در اصلاح، تغییر و اجرای یک برنامه درسی بین‌المللی هستند را پیشنهاد می‌دهند.

۵- دانش، مهارت‌ها و علائق میان فرهنگی:

نبود دانش، مهارت‌ها و علائق شخصی در بین‌المللی سازی و فقدان دانش و حساسیت میان فرهنگی از دیگر دلایل درگیر نشدن اساتید در فعالیت‌های اصلاح برنامه‌های درسی است.

بوند (۲۰۰۶) نشان داد که موضوعاتی چون نژادگرایی، باور نداشتن به ساختار اجتماعی، باور به ماهیت بین‌المللی بعضی از موضوعات و رشته‌ها و نادیده گرفتن تفکر در مورد خود، باورهای فرهنگی شخصی جهت انتخاب محتوا و مسائلی هستند که منجر به بی‌میلی و بی‌رغبتی اساتید جهت درگیر شدن در اصلاح و بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی می‌گردند.

¹¹ - Commodification of Education



بنیک و همکاران^{۱۲} (۱۹۹۶) نیز نبود انگیزه، علاقه، تجربه، تعهد و عدم انعطاف پذیری و نداشتن ذهنی باز جهت بازنگری برنامه‌های درسی و عملکردهای تعلیم و تربیتی را دلیل مقاومت اساتید در مقابل تغییر و عدم درک محیطی جامع می‌دانند.

۶- دل نگرانی‌های مرتبط با روش‌های آموزشی و محتوا:

اعضای هیات علمی در رابطه با تعیین روش‌های مناسب آموزشی به دانشجویان بین‌المللی و تجارب یادگیری قبلی آن‌ها نگرانی‌هایی دارند. آن‌ها هم چنین در مورد اینکه آیا باید بین محتوای بین‌المللی و محتوای عادی و متداول در دروس خود تمایزی قائل شوند یا آن دو را با هم تلفیق کنند تردید دارید. از طرف دیگر علاوه بر توجهی که اساتید به نیاز برای مکانیسم‌های گوناگون ارزشیابی جهت بهتر پاسخ دادن به نیازهای دانشجویان بین‌المللی دارند، واسطه اندازه بزرگ کلاس‌ها و نبود منابع برای سنجش جامع یادگیری دانشجویان مشکلاتی مرتبط با این فرآیند نیز وجود دارد.

چالش‌های بین فرهنگی فرارو

در چنین وضعیتی که از یک سو دانشگاه‌ها که از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های گسترده برای بین‌المللی شدن برخوردارند و از سوی دیگر به موجب مصوبات قانونی و اسناد بالادستی، بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی را به عنوان یک اولویت تمام عیار به تصویر کشیده شده است، مشخص نیست که به چه دلیل یا دلایلی از فرصت‌های در دسترس برای ارتقاء علمی و نیز تأمین منابع مالی گسترده برای دانشگاه‌ها غفلت می‌شود. بدون شک وضعیت موجود دانشگاه‌های مادر که تنها در آن تعداد محدودی دانشجوی خارجی، برانزده این دانشگاه‌ها و ترسیم کننده ظرفیت‌ها، توانمندی‌های قابلیت‌های آنان نیست. اساساً موفقیت در هر کار جدید به توانایی ایجاد توافق در کلیه شرکت کنندگان در آن فرآیند بستگی دارد. هر تغییر سازمانی نیازمند حرکت از وضعیت شناخته شده به وضعیت ناشناخته شده است. شکی نیست که تغییرات ایجاد ابهام، سردرگمی، بوجود آمدن تعارض و به چالش کشیدن توانایی‌ها را به همراه دارد. (Evans, 2001, p21) از آنجا که تغییر، آینده را غیر مطمئن می‌سازد و بر صلاحیت‌ها، ارزش‌ها و توانایی‌های افراد اثر می‌گذارد، اعضای سازمان‌ها عموماً از تغییر حمایت نمی‌کنند مگر آن که دلایل قانع کننده‌ای آن‌ها را متقاعد به انجام این کار کند.

در زمینه بین‌المللی کردن آموزش عالی در ایران مواردی چند در این راستا وجود دارد:

اول آن که بین‌المللی کردن باعث می‌شود تا افراد نسبت به توانایی‌هایشان شک کنند و اعتماد به نفس خود را در محیط کار از دست بدهند. افراد بویژه هنگامی که احساس کنند برای تحقق آن‌چه که در برنامه جدید از آن‌ها انتظار می‌رود، مشکل دارند، در مقابل آن مقاومت می‌کنند. (Evans, 2001) بین‌المللی کردن برنامه درسی علاوه بر محتوا، مستلزم توجه به فرآیندهای تربیتی است (Chinnammai, 2005) از این رو برای

¹² - Benick et al



تشویق عاملان اصل تغییر (اساتید) باید به آن‌ها اطمینان داد که دانشگاه‌ها دوره‌های آموزشی کافی را برای جهت کسب دانش و مهارت‌های جدید برگزار خواهد کرد.

دوم آن که بین‌المللی کردن برنامه درسی ابهام، سردرگمی و عدم قطعیت بوجود می‌آورد و در نتیجه می‌تواند ناامیدی و اضطراب ایجاد کند. هر نیروی تغییر می‌تواند در کارکنان افسردگی و ناامیدی ایجاد کرده و موجب بروز رفتاری نامطلوب گردد. (Gudykunst & Kim, 2003)

سوم آن که معمولاً خط مشی‌ها و سیاست‌های آموزشی در بسیاری ممالک بویژه جهان سوم بی‌ثبات است و همراه با تغییر مدیران، دستخوش تحول می‌شود. از این رو هنگامی که بین‌المللی سازی سیاست یک وزارتخانه یا دانشگاه اعلام می‌شود، این ذهنیت در برخی از اساتید ممکن است ایجاد شود که این امر، سیاستی زودگذر و بی دوام است. (Stier, 2003) از این رو بویژه اساتید ممکن است در خصوص کمک به این ابتکارات و نوآوری‌های ابلاغی دولت و دانشگاه‌ها متفاوت نشان دهند.

و سرانجام اینکه بین‌المللی سازی برنامه درسی می‌تواند منجر به تعارضات بین گروهی شود. مهم‌ترین تعارضات بین گروهی ناشی از رقابت برای دستیابی به منابع، تفاوت‌های فرهنگی و شکاف‌های قدرت است. (Cox, 1996) برای برخی از اساتید که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند نسبت به آن‌هایی که از داخل کشور فارغ‌التحصیل شده‌اند بین‌المللی سازی امتیازات بیشتری به همراه دارد. استراتژی مدیریت تعارض برای ایجاد مشارکت تحقق اهداف سازمانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

References

1. Altbach, P. G., & Teichler, U. (2001). Globalized university internationalization and exchanges in a globalized university *Journal of Studies in International Education*, 5
2. Arpac,j(2003) curricular and administrative consideration, in cavusgil,s.t. (ed)internationalizing business education: meeting the challenge (pp-15-30) Michigan: michigam state university press webster's binth new collegiate dictionary unabridged. Merriam-webster,inc.,1988.
3. Bell, M. (2008). Internationalising the curriculum for study abroad students from Singapore: A field study in the Australian bush. In proceedings of the 29 Higher Education Research and Development Society of Australasia
4. (HERDSA) conference *Critical Visions: Thinking, Learning and Researching in Higher Education*
5. Bond, S. L. (2006); *Untapped Resources: Internationalization of the Curriculum and Classroom Experience: A Selected Literature Review*; Ottawa, Canada
6. Chinnammai, S(2005) Effect of Globalisation on Education and Culture. ICDE International Conference. November 19-23, 2005, New Delhi
7. Bostrom, Ch. A. (2009). Diffusion of internationalization in Turkish higher education, *Journal of studies in international education*, Vol 10. No 5.
8. De Jong, H., & Teekens, H. (2003). The case of the University of Twente: Internationalisation as an



9. education policy, *Journal of Studies in International Education*, 7(1), 41–51.
10. Freedman, K. (2006). *Teaching visual culture*. New York: Teachers College Press. Skidmore, D., Marston, J., & Olson, G. (2010). An infusion approach to internationalization: Drake University as a case study. *Frontiers: The Interdisciplinary Journal of Study Abroad*, 11, 187-203.
11. Evans, R. (2001). *The Human Side Of School Change*. San Francisco, Ca: Jossey – Bass, Inc.
12. Gudykunst, W. & Kim. Y. (2003) *Communicating with Strangers. An approach to*
13. *intercultural communication* (4th ed.) New York: McGraw-Hill.
14. Hanson, K.H., & Meyerson, J. W. (1995). *International Challenges To American Colleges And Universities: Looking Ahead*. Phoenix: Oryx Press.
15. Haung, W.C And Lin, Y.Y (2007) *Connucting To The Tworld: Curriculum And Faulty internationalization of higher deucathion in Taiwan, hsiuping gournul of humanities and social sciences*, vol.q pp.76-78
16. Kerklaan, V. et al (2008) *The Role of Language in the Internationalisation of Higher Education: an example from Portugal*. *European Journal of Education*, Vol. 43, No. 2.
17. Knight, J. (2004) *Internationalization remodeled: definition, approaches, and rationales*, *Journal of Studies in International Education*, 8, pp. 5–31.
18. Kushigian, J.A. (1998), *International Studies In The Next Millennium: Meeting The Challenges Of Globalization*. Westport: Praeger.
19. Schapper, J. M., & Mayson, S. E. (2004). *Internationalisation of curricula: An alternative to the Taylorisation of academic work*. *Journal of Higher education Policy and Management*, 26 (2), 189-205.
20. SCOTT, P. (Ed.) (1998) *The Globalisation of Higher Education*. Buckingham: Open University Press/SRHE.
21. Press/SRHE.
22. Thune, T. & Welle- Strand, A. (2005). *ICT for and in internationalizat ion process: A business school case study*, *Journal of higher education*, 50:593-611 Knight, J. (1999). *Internationalisation of higher education*. In J. Knight & H. de Wit (Eds.), *Quality and internationalisation in higher education* (pp. 13-28). Paris, France: Organisation for Economic Co-operation and Development
23. Stier, J. (2003). "Internationalisation, Ethnic Diversity and the Acquisition of Intercultural Competencies." *Intercultural education* 14(1): 77-91.
24. Teichler, U. (2007). „Research on Internationalisation in Higher Education,”
25. *Journal of Studies in International Education*, 11 (3/4), 260-273.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop